

Unit Six

Working Women

Made By Milad Arjmand

Channel : @SumsEn12

Unit 6

Pre- reading Activities

A. Think about the following questions. You will find the answers in the reading selection.

1. Has the definition of family expanded over years in the U.S.A?

۱. آیا تعریف خانواده در طول سالها در ایالات متحده گسترش یافته است؟

2. Are American men or women breadwinners these days?

۲. آیا این روزها زنان یا مردان آمریکایی نان آور خانه هستند؟

3. What might be the biggest problem of the working mothers?

۳. بزرگترین مشکل مادران شاغل چه می تواند باشد؟

C. Guessing Meaning from Context

۱. وقتی comma (,) میاریم که بخوایم به مثال یا تعریف رو داشته باشیم :

◀ مثال :

the high cost is a drawback, disadvantage

خب اینجا drawback و disadvantage مترادف هستند و از (,) برای تعریف واژه قبلی استفاده کردیم .

۲. وقتی از semicolon ; استفاده میکنیم که بخوایم یک کلمه از جمله قبلی رو با یه جمله توضیحی براش بیاریم .

◀ مثال:

Public schools are both free and egalitarian; all students are considered equal

در مثال بالا جمله بعد (;) توضیحی برای egalitarian است .

۳. وقتی از Colon (:) استفاده میکنیم که بخوایم برای توصیف جمله قبلی یک لیست بیاوریم

مثلا :

The students attend one of three possible secondary schools: college – preparatory, vocational, or comprehensive.

در مثال بالا ما برای توصیف جمله قبل colon مثال هایی را بعد : آوردیم و بصورت لیست بیان کردیم . در حقیقت لیست بعد colon جمله قبل colon را کامل میکند .

مثال فارسی : علی در باغ خود گل های دوس داشتنی دارد : خرزهره ، محمدی ، آفتابگردان .

۴. از Dash (-) وقتی استفاده میکنیم که بخوایم یک اطلاعات اضافی درمورد چیز قبل از Dash بدهیم

مثال:

The family refers to just the immediate family-mother, father and children.

خب عبارت بعد Dash چه کاری انجام میدهد ؟ داره immediate family رو توصیف میکنه .

۵. از parentheses () وقتی استفاده میکنیم که بخواهیم مثال ها و چیزهای دیگر را بیاوریم .

مثال :

The children should avoid eating Junk food (French fries, chocolate, etc. --).

از بین موارد بالا مورد ۳ از همه مهم تره (که دقیقا وقتی من امتحان دادم همون مورد سه اومده بود سوال اومده بود :))

D. Use context punctuation to guess the meaning of words underlined in the following sentences.

a. In India education is free only for elementary schools; in the secondary schools tuition is obligatory but many families cannot afford it.

a. در هند آموزش فقط برای مدارس ابتدایی رایگان است. در مدارس متوسطه شهریه اجباری است اما بسیاری از خانواده ها توانایی پرداخت آن را ندارند.

شهریه / آموزش / تعلیم : obligatory اجباری :

b. I cannot see the school's relevance –its connection to life .

b. من نمی توانم ارتباط مدرسه را ببینم - ارتباط آن با زندگی.

relevance: **ربط / ارتباط**

c. When extended families – children, parents, grandparents, ----- lived in the same town, relatives took care of the children.

c. هنگامی که خانواده های بزرگ - فرزندان، والدین، پدربزرگ ها و مادربزرگ ها، ----- در یک شهر زندگی می کردند، اقوام از بچه ها مراقبت می کردند.

extended families: **خانواده های گسترده (تعریف این واژه رو یادتون باشه مهمه)**

d. There is far more talk about emotions (sadness, anger, irritability) with daughters than with sons.

d. در مورد عواطف (غمگینی، عصبانیت، تحریک پذیری...) با دختران بسیار بیشتر از پسران صحبت می شود.

emotions: **احساسات / عواطف**

e. Boys do not vocalize, make noises, as much as girls

e. پسرها به اندازه دخترها صدا نمی زنند، سر و صدا نمی کنند

vocalize : **صدا زدن / سروصدا کردن**

E. Circle the words in the following sentences that give clues to the meaning of the underlined vocabulary item. Then choose the correct answer.

1. Most are employed in traditional fields for females, such as clerical, sales, education and service.

a. jobs شغل / وظیفه

b. schedules زمانبندی / برنامه

c. glances نگاه اجمالی / نگاه انداختن

d. images وجهه / تصویر

۱. بیشتر آنها در زمینه های سنتی برای زنان مانند دفتری، فروش، آموزش و خدمات مشغول به کار هستند.

2. A few have begun to occupy executive positions in business, government, and banking, breaking through the glass ceiling.

a. the jobs traditionally belonging to men

a. مشاغلی که به طور سنتی متعلق به مردان است

b. spending many hours away from home

b. گذراندن ساعات زیادی دور از خانه

c. the jobs which are simple enough to be done by women

c. مشاغلی که به اندازه کافی ساده هستند که توسط زنان انجام شود

d. the obstacles in the way of women's work

d. موانع بر سر راه کار زنان

۲. تعداد معدودی شروع به تصرف پست های اجرایی در تجارت، دولتی و بانکی کرده اند و سقف شیشه ای را شکسته اند (از محدودیت عبور کرده اند).

3. Another variation is the blended family, the result of a marriage between a previously married man and woman who combine the children from their former marriage into a family.

a. new جدید

b. first اول / نخستین

c. second دوم

d. last آخر

۳. تغییر دیگر خانواده ترکیبی است که حاصل ازدواج بین زن و مردی است که قبلاً ازدواج کرده اند و فرزندان حاصل از ازدواج قبلی خود را در یک خانواده ترکیب می کنند.

4. Husband and wife may share household chores. Some fathers are just as capable as mothers at cooking dinner, changing and bathing the baby, and doing the laundry.

a. facility تسهیلات / وسیله / آسانی

b. account حساب / گزارش / حساب کاربری

c. work شغل / کار کردن / موثر واقع شدن

d. factor عامل / فاکتور

۴. زن و شوهر ممکن است در کارهای خانه اشتراک داشته باشند. برخی از پدران به اندازه مادران در پختن شام، تعویض و حمام کردن نوزاد و شستن لباس‌ها توانایی دارند.

5. In some cases, the women's salary is adequate for family expenses, and the father becomes the "househusband".

a. enough کافی

b. low کم / کوتاه / سطح پایین

c. limited محدود

d. dramatic مهیج / نمایشی / چشمگیر

۵. در برخی موارد، حقوق زنان کفاف مخارج خانواده را می‌دهد و پدر «شوهر خانه» می‌شود.

Reading

Working Women

A. In the United States, over 70 percent of women with children under 18 have another job besides that of mother and homemaker.

A. در ایالات متحده، بیش از ۷۰ درصد از زنان دارای فرزند زیر ۱۸ سال شغل دیگری به جز شغل مادری و خانه داری دارند.

Most are employed in traditional fields for females, such as clerical, sales, education, and service. However, a growing number choose a career that necessitates spending many hours away from home.

بیشتر آنها در زمینه های سنتی برای زنان مانند دفتری، فروش، آموزش و خدمات استخدام می شوند. با این حال، تعداد فزاینده ای شغلی را انتخاب می کنند که مستلزم گذراندن ساعات زیادی دور از خانه است.

These women are engineers, politicians, doctors, lawyers and scientists, and a few have begun to occupy executive positions in business, government, and banking, breaking through the so-called glass ceiling.

این زنان مهندس، سیاستمدار، پزشک، وکیل و دانشمند هستند و تعداد کمی از آنها شروع به تصرف مناصب اجرایی در تجارت، دولتی و بانکی کرده اند و به اصطلاح سقف شیشه ای را شکسته اند. (از محدودیت ها و موانع عبور کرده اند)

B. Monetary factors influence women to work. Some are employed full- time, some part time and some seek creative solutions such as flex- time work schedules and job sharing. Many are single mothers raising children by themselves.

B. عوامل مالی بر کار زنان تأثیر می گذارد. برخی به صورت تمام وقت، برخی پاره وقت و برخی به دنبال راه حل های خلاقانه ای مانند برنامه کاری منعطف و به کار نوبتی (از اینا که یه شیفت خودشون میرن یه شیفت یکی دیگه) هستند. بسیاری از آنها مادران مجردی هستند که خودشان بچه ها را بزرگ می کنند.

But in most cases, one income in the household is simply not enough, so both parents must work to support the family.

اما در بیشتر موارد، یک درآمد در خانواده به سادگی کافی نیست، بنابراین هر دو والدین باید برای حمایت از خانواده کار کنند.

C. A backward glance from this side of the new millennium reveals that the role of married women in the U.S. has changed radically since the 1950s and 1960s, when it was taken for granted that they would stay home and raise the children.

C. نگاهی به عقب از این سوی هزاره جدید نشان می‌دهد که نقش زنان متأهل در ایالات متحده از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به‌طور اساسی تغییر کرده است، زمانی که مسلم انگاشته شد که آنها در خانه بمانند و فرزندان را بزرگ کنند.

This is still the image so often portrayed in American movies and advertising. In fact, the traditional combination of the husband as the exclusive breadwinner and the wife as a stay-at-home mom caring for one or two children today counts for only 7 percent of the population in the United States.

این همان تصویری است که اغلب در فیلم‌ها و تبلیغات آمریکایی به تصویر کشیده می‌شود. در واقع، ترکیب سنتی شوهر به‌عنوان نان‌آور انحصاری و زن به‌عنوان یک مادر خانه‌نشین که از یک یا دو فرزند مراقبت می‌کند، امروزه تنها ۷ درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهد.

D. Who, then, is taking care of the children?

D. پس چه کسی از کودکان مراقبت می‌کند؟

When extended families--children, parents, grandparents, aunts, and uncles- lived in the same town and sometimes in the same house, a relative of the working parents took care of the children.

هنگامی که خانواده‌های بزرگ - فرزندان، والدین، پدربزرگ‌ها، مادربزرگ‌ها، خاله‌ها و عموها- در یک شهر و گاهی در یک خانه زندگی می‌کردند، یکی از بستگان والدین شاغل از بچه‌ها مراقبت می‌کرد.

But beginning with the Industrial Revolution, people moved always from farms and small towns to find better job opportunities in larger cities. Now, most often, the family is just the immediate family---mother, father, and children.

اما با شروع انقلاب صنعتی، مردم همیشه از مزارع و شهرهای کوچک نقل مکان کردند تا فرصت‌های شغلی بهتری در شهرهای بزرگ پیدا کنند. در حال حاضر، اغلب، خانواده فقط خانواده نزدیک است --- مادر، پدر و فرزندان.

(immediate family یعنی خانواده درجه یک / اعضای درجه یک خانواده و اصطلاح extended family به معنای خانواده گسترده به خانواده‌ای اطلاق می‌شود که اعضای آن بیس از دو نسل از خانواده باشند.)

Or, it could be single-parent family, with either the mother or the father living with the children. Another variation is the blended family, the result of a marriage between a previously married man and woman who combine the children from their former marriages into a new family.

یا، می‌تواند خانواده تک‌والدی باشد که مادر یا پدر با فرزندان زندگی می‌کنند. نوع دیگر خانواده ترکیبی است که حاصل ازدواج بین زن و مردی است که قبلاً ازدواج کرده اند و فرزندان حاصل از ازدواج قبلی خود را به یک خانواده جدید ترکیب می‌کنند.

So who watches the children while the parents work? Answers to this question are varied.

پس چه کسی در حین کار والدین کودکان را تماشا می‌کند؟ پاسخ به این سوال متفاوت است.

1. Some parents put children in day-care facilities.

۱. برخی از والدین کودکان را در مهدکودک قرار می‌دهند.

2. Some parents put children in informal day care centers in private homes.

۲. برخی از والدین کودکان را در مراکز روزانه غیررسمی در خانه های شخصی قرار می‌دهند.

3. Companies and hospitals are realizing that providing day care at the workplace makes for happier and more productive employees.

۳. شرکت ها و بیمارستان ها متوجه شده اند که ارائه مراقبت های روزانه در محل کار باعث شادی و بهره وری بیشتر کارکنان می شود.

4. Individuals or couples that are wealthy enough have nanny, a woman who comes to care for the children in their own home. Many of these child-care workers are from other countries, e.g. England, Jamaica, Poland, or the Philippines.

۴. افراد یا زوج هایی که به اندازه کافی ثروتمند هستند، پرستار بچه دارند، زنی که برای مراقبت از بچه ها در خانه خودشان می آید. بسیاری از این کارکنان مراقبت از کودکان از کشورهای دیگر هستند، به عنوان مثال. انگلستان، جامائیکا، لهستان یا فیلیپین.

E. A trend that has emerged recently is the sharing of child-care responsibilities between husband and wife.

E. روندی که اخیراً ظهور کرده است، تقسیم مسئولیت های مراقبت از کودک بین زن و شوهر است.

Young couples will try to arrange their work schedules so that they work opposite hours or shifts in order that one parent is always home with the children.

زوج‌های جوان سعی می‌کنند برنامه‌های کاری خود را طوری تنظیم کنند که ساعت‌ها یا شیفت‌های متفاوتی کار کنند تا یکی از والدین همیشه همراه فرزندان در خانه باشد.

Since child care is expensive, this saves money for the young couple trying to establish themselves and provide a secure environment for the family.

از آنجایی که مراقبت از کودک گران است، این امر باعث صرفه جویی در هزینه زوج جوانی می‌شود که سعی می‌کنند خود را تثبیت کنند و محیطی امن برای خانواده فراهم کنند.

Husband and wife may also share household chores. Some fathers are just as capable as mothers at cooking dinner, changing and bathing the baby, and doing the laundry

زن و شوهر نیز ممکن است کارهای خانه را به اشتراک بگذارند. برخی از پدران به اندازه مادران در پختن شام، تعویض و حمام کردن نوزاد و شستن لباس‌ها توانایی دارند.

F. In some cases, the woman's salary is adequate for family expenses, and the father becomes the "househusband." These cases are still fairly rare.

F. در برخی موارد، حقوق زن برای مخارج خانواده کافی است و پدر «شوهر خانه دار» می‌شود. این موارد هنوز نسبتاً نادر هستند.

One positive trend, however, is that fathers seem to be spending more time with their children. In a recent survey, %41 of the children sampled said they spend equal time with their mothers and fathers. "

با این حال، یک روند مثبت این است که به نظر می‌رسد پدران زمان بیشتری را با فرزندان خود می‌گذرانند. در یک نظرسنجی اخیر، ۴۱ درصد از کودکان نمونه گفتند که زمان مساوی را با مادر و پدر خود می‌گذرانند. »

This is one of our most significant cultural changes." says Dr. Leon Hoffman, who co-directs the Parent Child Center at the New York Psychoanalytic Society.

این یکی از مهم‌ترین تغییرات فرهنگی ماست. «دکتر لئون هافمن، که مدیر مرکز کودکان والدین در انجمن روانکاوی نیویورک است، می‌گوید.

In practice for 30 years, Hoffman has found a " very dramatic difference in the involvement of the father in everything from care taking to general decision making around kids' lives.

در عمل به مدت ۳۰ سال، هافمن «تفاوت بسیار چشمگیری در مشارکت پدر در همه چیز از مراقبت تا تصمیم گیری کلی در مورد زندگی کودکان پیدا کرده است.

A. Read the following sentences and decide if based on the information provided in the text they are true or false. Then show your choice by writing T (for true) or F (for false) in the blank space next to each sentence.

---T---1. The husband is no longer the only breadwinner in the U.S. .

۱. شوهر دیگر تنها نان آور خانه در ایالات متحده نیست.

---T---2. Fathers in the U.S. increasingly help care for children.

۲. پدران در ایالات متحده به طور فزاینده ای به مراقبت از کودکان کمک می کنند.

---T---3. The majority of women in the U.S. function as mother, homemaker as well as an employee.

۳. اکثریت زنان در ایالات متحده به عنوان مادر، خانه دار و همچنین کارمند فعالیت می کنند.

---F---4. Executive positions are mostly occupied by females in the U.S.

۴. مناصب اجرایی عمدتاً توسط زنان در ایالات متحده اشغال می شود.

---F---5. Financial needs play no role in women's decision to work out- side home.

۵. نیازهای مالی هیچ نقشی در تصمیم زنان برای کار در خارج از خانه ندارد.

---F---6. The members of the extended family today share the child- care responsibilities.

۶. اعضای خانواده بزرگ امروز مسئولیت های مراقبت از کودک را به اشتراک می گذارند.

---F--- 7. According to this passage, the more child-care facilities in the American cities, the more successful and happier employees.

۷. بر اساس این متن، هر چه امکانات نگهداری از کودکان در شهرهای آمریکا بیشتر باشد، کارکنان موفق و شادتر هستند.

---F---8. No husband stays at home exclusively to care for the child since he has no job outside.

۸. هیچ شوهری صرفاً برای مراقبت از کودک در خانه نمی ماند زیرا در خارج از خانه شغلی ندارد.

Read the following sentences carefully and decide which one of the four options (a, b, c, or d) best completes each item

1. The majority of American women work outside since their family income is insufficient

a. their family income is insufficient

a. درآمد خانواده آنها ناکافی است b. it is taken for granted by their husbands

b. شوهرانشان آن را بدیهی می دانند

c. they need to establish themselves

c. آنها باید خود را تثبیت کنند

d. they get bored with household chores

d. آنها از کارهای خانه خسته می شوند

۱. اکثر زنان آمریکایی در خارج از خانه کار می کنند زیرا درآمد خانواده آنها کافی نیست

2. The most recent tendency in American families is the couples sharing taking care of their children.

a. the husband working as exclusive breadwinner

a. شوهر به عنوان نان آور انحصاری کار می کند

b. stay- at- home mom taking care of her children

b. مادر در خانه می ماند و از فرزندانش مراقبت می کند

c. the couples sharing taking care of their children

c. زوج هایی که از فرزندان خود مراقبت می کنند

d. keeping the children at day care centers

d. نگهداری از کودکان در مراکز روزانه

۲. جدیدترین گرایش در خانواده های آمریکایی این است که زوج ها از فرزندان خود مراقبت می کنند.

3. This (paragraph C, line 5) refers to -----.

a. sharing of child care responsibilities

a. تقسیم مسئولیت های مراقبت از کودک

b. mother being home with the child

b. حضور مادر در خانه با کودک

c. earning more money

c. کسب درآمد بیشتر

d. using simple day-cares

d. استفاده از مهدکودک های ساده

4. The most common form of family in the US today is the immediate one.

a. blended ترکیب شده

b. extended گسترده

c. immediate خانواده درجه یک :

d. single parent تک والدی

۴. رایج ترین شکل خانواده امروزه در ایالات متحده، خانواده درجه یک است.

5. As to the American men and women today, the role of both has altered.

a. former's role has dramatically changed

a. نقش اولی به طرز چشمگیری تغییر کرده است

b. latter's role has been revolutionized

b. نقش دومی متحول شده است

c. role of both has altered

c. نقش هر دو تغییر کرده است

d. role of both has remained fixed

d. نقش هر دو ثابت مانده است

۵. در مورد مردان و زنان آمریکایی امروز، نقش هر دو تغییر کرده است.

(این سوالی اینجوری می‌گه former و later اینجا دو تا کلمه دیده منظورش از former همون اولی هست یعنی مردای آمریکایی و منظورش از later اون کلمه دومی هست که گفته یعنی زنای آمریکایی)

6. It seems that the writer is positive about the fathers spending more time at home caring for the children.

a. indifferent to **خونسرد / بی تمایل**

b. critical of **نقادانه**

c. positive about **مثبت درباره**

d. skeptical of **شک گرایانه**

۶. به نظر می‌رسد نویسنده نسبت به صرف وقت بیشتر پدران در خانه برای مراقبت از فرزندان مثبت است.

7. By "so called glass ceiling" (line 15), the writer means -----.

a. invisible barrier to the promotion of women

a. مانع نامرئی برای ارتقاء زنان

b. tendency to move in the course of events

b. تمایل به حرکت در مسیر رویدادها

c. earning money for the family

c. کسب درآمد برای خانواده

d. maintaining the traditional approaches

d. حفظ رویکردهای سنتی

Read the following sentences carefully and decide which one of the four options (a, b, c, or d) best completes each item.

1. Many positions traditionally belonging to men are now being occupied by women.

a. revealed آشکار

b. occupied مشغول / اشغال شده

c. portrayed در نقش کسی ظاهر شدن / به تصویر کشیدن

d. facilitated تسهیل کردن

۱. بسیاری از مناصب که به طور سنتی متعلق به مردان است، اکنون توسط زنان اشغال شده است.

2. Many oppositions began to emerge after she was selected as the manager of the company.

- a. vary متفاوت بودن / تنوع دادن / تغییر کردن / متنوع بودن
- b. fluctuate نوسان داشتن
- c. serve سرو کردن / گذارندن مدت زمانی در زندان / تحویل دادن
- d. emerge بیرون آمدن / فاش شدن / به وجود آمدن

۲. پس از انتخاب او به عنوان مدیر شرکت، مخالفت های بسیاری شروع شد.

3. All the female employees are currently seeking new ways of expanding their membership. They like to be involved more.

- a. denying تکذیب کردن / رد کردن / محروم کردن
- b. removing در آوردن / برکنار کردن / حذف کردن
- c. ignoring بی توجهی کردن / نادیده گرفتن
- d. seeking به دنبال گشتن / جستجو کردن / طلب کردن / تلاش کردن

۳. همه کارمندان زن در حال حاضر به دنبال راه های جدیدی برای گسترش عضویت خود هستند. آنها دوست دارند بیشتر درگیر شوند.

4. The manager is trying to provide training that is adequate to meet future needs of industry.

- a. lethal مهلک / کشنده / مرگبار
- b. immediate فوری
- c. adequate کافی
- d. dramatic مهیج / نمایشی / چشمگیر

۴. مدیر سعی در ارائه آموزشی دارد که برای پاسخگویی به نیازهای آتی صنعت کافی باشد.

5. The newly married couples need some monetary policies to establish themselves and provide a comfortable life for the family.

a. monetary مالی

b. private خصوصی / محرمانه

c. blended ترکیبی

d. relative خویشاوند / نسبی / نسبت به / موصولی

۵. زوج های تازه ازدواج کرده برای تثبیت خود و ایجاد یک زندگی راحت برای خانواده نیازمند سیاست های پولی هستند.

6. Her immediate family's involvement in such illegal affairs will lead to their disaster; they need to be stopped in a way.

a. necessity نیاز / وسیله ضروری / اجبار / ضرورت

b. involvement درگیری / دخالت

c. variation اختلاف / تغییر

d. combination ترکیب

۶. دخالت خانواده نزدیک او در چنین امور غیرقانونی منجر به فاجعه آنها می شود. آنها باید به نوعی متوقف شوند.

7. Lack of money necessitated a change of plan in the family, so that they could both be involved.

a. shared تقسیم کردن / سهم بود / در میان گذاشتن

b. necessitated اجاب کردن / مجبور کردن / مستلزم بودن / ضروری ساختن

c. employed شاغل

d. occupied مشغول / اشغال شده / اشغالی

۷. بی پولی، تغییر برنامه را در خانواده اجاب می کرد تا هر دو درگیر شوند.

8. Of the two possibilities, the former seemed more likely to bring about success; therefore, they left the second decision aside.

- a. former قبلی / سابق / اولی در بین دو چیز
- b. last قبل / آخرین / دوام داشتن / کافی بودن / آخر
- c. next بعد / مجاور / چیز بعدی
- d. latter آخری / دومی از بین دو چیز

۸. از بین دو احتمال، اولی احتمال بیشتری برای موفقیت به نظر می رسید. بنابراین تصمیم دوم را کنار گذاشتند.

9. She works flex-time so she can work a particular number of hours each week but can choose when to start and finish her work.

- a. part-time نیمه وقت / پاره وقت
- b. flex-time زمان انعطاف پذیر
- c. full time تمام وقت
- d. over-time در طول زمان

۹. او با زمان منعطف کار می کند، بنابراین می تواند هر هفته چند ساعت کار کند، اما می تواند انتخاب کند که چه زمانی کار خود را شروع کند و به پایان برساند.

10. What worries me as the executive manager is the growing trend toward early retirement.

- a. blend مخلوط کردن / ترکیب / مخلوط
- b. survey نظر سنجی
- c. facility امکانات
- d. trend روند / تمایل / گرایش

۱۰. آنچه مرا به عنوان مدیر اجرایی نگران می کند، روند رو به رشد بازنشستگی پیش از موعد است.

D. Answer the following questions orally.

1. What are the duties of most women in the U.S.?

۱. وظایف اکثر زنان در ایالات متحده چیست؟

2. Which positions are usually occupied by women in the U.S.?

۲. معمولاً زنان در ایالات متحده کدام سمت ها را اشغال می کنند؟

3. What percentage of American women have broken through the glass ceiling today in the U.S.?

۳. چند درصد از زنان آمریکایی امروز در ایالات متحده سقف شیشه ای را شکسته اند؟

4. What is the recent trend in American families as to the child- care responsibilities?

۴. روند اخیر در خانواده های آمریکایی در مورد مسئولیت های مراقبت از کودک چیست؟

5. With so many working women in America, who takes care of the children?

۵. با وجود این همه زن شاغل در آمریکا، چه کسی از کودکان مراقبت می کند؟

6. How do the families solve the problem of child care in case the women's income is sufficient?

۶. در صورت کافی بودن درآمد زنان، خانواده ها چگونه مشکل مراقبت از فرزندان را حل می کنند؟

7. What is the most important cultural change in America today?

۷. مهمترین تغییر فرهنگی امروز آمریکا چیست؟

C. Fill in the blanks with the appropriate forms of the words given.

Verb	Noun	Adjective	Adverb
necessitate	necessity	necessary	necessarily
ایجاب کردن	نیاز، اجبار، ضرورت	لازم	الزاما

a. There was no necessity to find a new job.

a. نیازی به یافتن شغل جدید نبود.

گرامر: اسم می‌خوایم از روی ترجمه کاملا مشخصه . می‌گه وجود نداره ! چه چیزی ؟ به اسم می‌خوایم .

b. This discussion can, if necessary, be continued tomorrow.

b. این بحث در صورت لزوم (اگر لازم است) می‌تواند فردا ادامه یابد.

گرامر: اینجا برای توصیف اسم باید صفت بیاریم می‌گه اون بحثه اگر لازم و ضروریه ! میتونه فردا هم ادامه پیدا کنه . از لحاظ گرامری اون وسط ما داشتیم : if this discussion is necessary و داره discussion رو توصیف میکنه .

c. Spending long hours in the office doesn't necessarily mean high quality work.

c. گذراندن ساعات طولانی در دفتر لزوما به معنای کار با کیفیت بالا نیست.

گرامر: اگه دقت کنید جمله کامل است و necessarily قید است و جمله قید می‌خواهد .

d. Lack of money necessitates a change of careers.

d. کمبود پول نیاز به تغییر شغل دارد.

گرامر: اینجا جمله بدون فعل کامل نیست یعنی شما اگر جای خالی رو در نظر نگیری فعلی برای کامل کردن جمله نداری پس باید فعل بیاریم .

Verb	Noun	Adjective	Adverb
	adequacy کفایت ، کافی بودن	adequate کافی	adequately به خوبی / به اندازه کافی

a. The interviewer doubted her adequacy for the job.

a. مصاحبه کننده به کفایت او برای این شغل شک داشت.

گرامر: بعد her و his و ضمائر ملکی اسم میاد

b. Each employer must provide adequate facilities for the employees.

b. هر کارفرما باید امکانات کافی را برای کارکنان فراهم کند.

گرامر: ما facilities رو داریم که اسم صفت میاریم . به معنی کافی .

c. She wasn't adequately insured about the accuracy of his remark.

c. او به اندازه کافی در مورد صحت اظهارات او مطمئن نشده بود.

گرامر: بدون هم میبینیم که جمله کامله و قید میاریم و از لحاظ گرامری برای توصیف فعل wasn't insured ما باید قید بیاریم .

Verb	Noun	Adjective	Adverb
extend گسترش دادن	extension گسترش ، توسعه	extended گسترش یافته ، بزرگ extensive وسیع	

a. The company plans to extend its activities to produce videos.

a. این شرکت قصد دارد فعالیت های خود را برای تولید ویدئو گسترش دهد.

گرامر: یکی از راه های فهمیدن اینکه جمله فعل میخواد اینه که به ترجمه to دقت کنیم to به معنی تا میتونه اینجوری معنی میشه : این شرکت قصد داره (تا) !! تا چیکار کنه؟؟ فعل میخوایم دیگه .

b. An extended family consists of not only the parents and children but also the relatives.

b. خانواده بزرگ نه تنها از والدین و فرزندان، بلکه بستگان نیز تشکیل شده است.

گرامر: بعد a اسم میاد ولی اینجا اسم اومده که ما قبل اسم صفت میاریم که اینجا و و این کلا به اصطلاحه از خانواده ها: extended family.

c. This country needs a further extension of the power of the central government.

c. این کشور به گسترش بیشتر قدرت دولت مرکزی نیاز دارد.

گرامر: قبل و بعد of اسم رو باید داشته باشیم که ترکیب مضاف و مضاف الیه ساخته میشه

d. The storm caused extensive damage.

d. طوفان خسارات زیادی به بار آورد.

گرامر: قبل اسم باید صفت بیاریم و اینجا بر اساس معنی هم باید عمل کنیم :

Extended damage : «خسارت گسترده» به این معنی است که آسیب برای مدت طولانی ادامه داشته یا در یک منطقه بزرگ پخش شده است.

Extensive damage : «خسارت گسترده» به این معنی است که آسیب گسترده یا قابل توجه بوده است.

و اینجا منظورش همون دومیه بنظرم

Verb	Noun	Adjective	Adverb
think	thought	thoughtful	thoughtfully
فکر کردن	فکر	متفکر	متفکرانه

a. You look very thoughtful; what are you thinking about?

a. خیلی تو فکری . به چی فکر میکنی ؟

گرامر: بعد very یا صفت میاریم یا قید اینجا صفت میاریم چون داریم you رو توصیف میکنیم که ضمیر هست . جواب : thoughtful

جواب : قسمت ۲ : thinking که فعل هست رو میاریم البته are thinking با هم فعله . اگه فعل نداریم جمله ناکامله . چرا ing گرفته؟؟

بعد am , is , are اگه فعلی بیاد فعل یا ing میگیره یا pp . اگه جمله معلوم باشه ing و اگه مجهول باشه pp .

b. Give her offer plenty of thought before you accept it.

گرامر: thought (.....) Give(.....) یه اصطلاحه که اینجا معنی جمله اینه : به پیشنهاد اون فکر کن قبل اینکه بپذیریش .

c. He listened to the lecturer very thoughtfully.

c. او متفکرانه به سخنران گوش داد .

گرامر: بعد very یا قید میاد یا صفت اینجا قید میاریم چون میخوایم فعل listen رو توصیف کنیم

یعنی میگه : او متفکرانه به سخنران گوش داد . قید متفکرانه داره فعل گوش دادن رو توصیف میکنه.

Verb	Noun	Adjective	Adverb
apply	applicant	applied	
به کار بردن	داوطلب	کاربردی	
	application		
	تقاضانامه		

a. We had 250 applicants for the job.

a. ما ۲۵۰ داوطلب برای این کار داشتیم .

گرامر: یه عدد به عنوان صفت هست بعد اسم آوردیم با ترجمه خیلی راحت میشه حل کرد میگه با ما داشتیم خب چی داشتیم ؟ اسم میخوایم .

نکته: بعضی وقتا had خودش یه فعل کامله معنی داشتن بعضی وقتا هم فعل کمکیه که باید با pp بیاد.

b. His major is applied physics.

b. رشته تحصیلی او فیزیک کاربردی است .

گرامر: اینجا physics داریم که اسم قبلش باید صفت بیاد applied رو انتخاب میکنیم .

c. Scientific discoveries are often applied to industrial processes.

c. اکتشافات علمی اغلب در فرآیند های صنعتی به کاربرده میشود .

گرامر: اینجا فعل میخوایم . جمله هست اکتشافات علمی اغلب در فرآیند های صنعتی

خب هنوز فعل نیاموردیم دیگه مشخصه . دقت کنید باید applied رو بیاریم این applied صفت نیست ما are applied داریم که یه فعل مجهوله

d. You have to fill the application form before you get a job.

d. قبل از شروع کار باید فرم درخواست را پر کنید.

گرامر: بعد the اسم میخوایم و form اسم هست ولی قبل اسم صفت یا اسم دیگه میتواند بیاید و با ترجمه و از اون fill که به معنی پرکردنه مشخص میشه باید application رو باید انتخاب کنیم به معنی تقاضانامه .

Verb	Noun	Adjective	Adverb
train	trainee		
آموزش دادن	کارآموز		
	trainer		
	مربی		
	training		
	آموزش		

a. He is -----to be a doctor.

گرامر: دو حالت داره :

He is trained to be a doctor: او تمرین دیده است تا یک دکتر باشد . مجهوله .

He is training to be a doctor: او تمرین میکند که یک دکتر شود . معلومه .

Train یک فعل دو معناییه : هم معنی آموزش دیدن میدهد هم معنی آموزش دادن .

b. A person who is being trained is called a trainee

b. به شخصی که تحت آموزش قرار می گیرد کارآموز می گویند.

گرامر: با ترجمه حل کردیم . و اینکه بعد a اسم میخوایم .

c. In the course she received thorough training in every aspect of the job.

c. در این دوره او در هر جنبه ای از شغل آموزش کامل دید.

گرامر: خوب thorough (کامل) صفته و بعدش اسم میاد

d. Her trainer decided she shouldn't run in the race.

d. مربی او تصمیم گرفت که او نباید در مسابقه بدود.

گرامر: بعد her اسم میاد و از بین اسم ها هم با ترجمه میشه فهمید trainer رو میخوایم

Verb	Noun	Adjective	Adverb
employ	employer		
استخدام کردن	کارفرما		
	employee		
	کارمند		
	employment		
	استخدام		

a. The firm employed more women than men.

a. این شرکت زنان بیشتری نسبت به مردان استخدام می کرد.

گرامر: جمله فعل نداره : فعل میذاریم employed گذاشتیم اینجا ولی میشد فعل حال ساده هم گذاشت چون ادامه جمله را نداریم یعنی employs هم درسته که اگر میذاشتیم معنیش میشد استخدام میکند به هر حال فعل میخواد جمله .

b. He is a government employee.

b. او کارمند دولت است.

گرامر: خدای همه چیزو باگرامر نزنید:

ترجمه جمله میشه : او کارمند دولت است . البته گرامری هم بعد a اسم میخوایم کل government employee رو یک ترکیب اسمی در نظر بگیرید و یادتون باشه اینجا هم employee اسمه هم government .

c. The number of people in employment has fallen.

c. تعداد افراد مشغول به کار کاهش یافته است

گرامر: اینجا بعد حرف اضافه in باید employment که اسم است رو بیاریم و از ترجمه هم استفاده میکنیم

d. The workers decided to talk to the factory employer about their problems.

d. کارگران تصمیم گرفتند با کارفرمای کارخانه در مورد مشکلات خود صحبت کنند.

گرامر: ترکیب مضاف و مضاف الیه داریم. بعد the باید اسم بیاد factory اسمه ولی employer هم بعد این اسم اومده که با هم یک ترکیب اسمیو تشکیل بدن! مثل همون کارمند دولت.

D. Fill in the blank using the words in the list.

ads آگهی	go	step	could
hunting	about	job	education تحصیل
person	companies	begin شروع شدن	

Not very long ago, when people needed to find a job, there were several possible steps. They might begin with a look through the classified ads in the back of the newspaper. They could go to the personnel office at various companies and fill out an application, or they could go to an employment agency. They could even find out about a job opening through word-of-mouth from another person who had heard about it. These days, job hunting is more complicated. The first step is to determine what kind of job you want and make sure that you have the right education for it

چندی پیش، زمانی که مردم نیاز به یافتن شغل داشتند، چندین مرحله ممکن وجود داشت. آنها ممکن است با نگاهی به آگهی های طبقه بندی شده در پشت روزنامه شروع کنند. آنها می توانند به دفتر پرسنل در شرکت های مختلف مراجعه کنند و درخواست را پر کنند، یا می توانند به یک آژانس کاریابی مراجعه کنند. آنها حتی می توانند از طریق دهان به دهان از یک فرد دیگر که در مورد آن چیزی شنیده بود، در مورد یک شغل مطلع شوند. این روزها، کاریابی پیچیده تر شده است. اولین قدم این است که تعیین کنید چه نوع شغلی می خواهید و مطمئن شوید که تحصیلات مناسبی برای آن دارید

E. Scan the reading passage to find a word for each meaning.

1. related to managing a business or an organization / managerial

۱. مربوط به مدیریت یک کسب و کار یا یک سازمان

2. show, make something known / demonstrate/ reveal

۲. نشان دادن، چیزی را شناخته

3. direction / trend

۳. جهت

4. a quick look / glance

۴. نگاهی سریع

5. safe / secure

۵. امن

6. connected with office work / clerical

۶. مرتبط با کار اداری

7. be the explanation or cause of something / account for

۷. توضیح یا علت چیزی بودن / توضیح دادن یا بیان کردن علت یا توضیحی در مورد چیزی هستند.

8. not public / private

۸. عمومی نیست

9. chance / opportunity

۹. شانس

10. sufficient / enough / adequate

۱۰. کافی